

تاثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی بر گونه‌های مسکن طبقه متوسط (در دوره میانی و پایانی پهلوی دوم بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷)^۱

سارا غلامی*، جمال‌الدین سهیلی**، کمال رهبری منش***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۵/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱/۲۵

چکیده

جهت شکل‌گیری مسکن می‌بایست به ابعاد مختلفی توجه نمود که یکی از مهمترین این ابعاد، طبقه اجتماعی ساکنین آن است. شکل‌گیری طبقات اجتماعی در هر جامعه متأثر از عوامل اجتماعی و فرهنگی آن به شمار می‌رود که نوسازی حکومت در دوران پهلوی، منجر به شکل‌گیری طبقه متوسط جدید در کنار طبقه سنتی جامعه شد. این پژوهش درصدد است با شناسایی تحولات اجتماعی - فرهنگی دوره پهلوی دوم، به بررسی عوامل تاثیرگذار بر ظهور طبقه متوسط جدید و سپس مسکن این طبقه بپردازد. در این راستا، شماری از کوی‌های مسکونی تهران براساس طبقه اجتماعی ساکنان آن در دو دوره میانی و پایانی پهلوی دوم به عنوان جامعه آماری مورد ارزیابی قرار گرفتند. این پژوهش بر پایه روش کیفی و بر استدلال منطقی استوار است اما اساس پژوهش تحقیق، تاریخی تفسیری است که استنتاج از تحلیل‌ها به صورت مقایسه‌ای صورت می‌گیرد. گردآوری داده‌ها در این پژوهش به صورت مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و مشاهده میدانی بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد طبقه اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی معیشتی طبقه متوسط جدید جامعه که به دنبال تفکرات مدرن بودند، بر معماری مسکن این گروه تاثیر گذاشته و مسکن مدرن جایگزین مسکن سنتی شده است.

واژگان کلیدی

دوره پهلوی دوم، تحولات اجتماعی و فرهنگی، طبقه متوسط، معماری مسکونی شبه مدرنیستی.

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری «سارا غلامی» تحت عنوان «تاثیر تحولات اجتماعی - فرهنگی بر گونه شناسی معماری مسکن طبقه متوسط در دوره میانی و پایانی پهلوی دوم با استفاده از دستور زبان شکل» است که به راهنمایی دکتر «جمال‌الدین سهیلی» و مشاوره دکتر «کمال رهبری منش» در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین در سال ۱۳۹۹ در حال انجام است.

* پژوهشگر دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. saragholami.edu@yahoo.com
** گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول) soheili@qiau.ac.ir
*** گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. pr.rahhari@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

تحولات معماری و شهرسازی در هر سرزمین بازتاب عوامل پس زمینه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی آن به شمار می‌رود؛ بنابراین محیط زندگی هر فرد مجموعه‌ای از نظام‌های فرهنگی و اجتماعی است؛ از این رو درک رفتار انسان‌ها در یک محیط بدون ارتباط با نظام اجتماعی و فرهنگ‌های جاری در آن مکان تقریباً امری غیرممکن است. از سوی دیگر دستیابی به درک صحیحی از جایگاه معماری معاصر هر سرزمین در عرصه جهانی، بدون شناخت تأثیرات سایر سرزمین‌ها بر تحولات معماری معاصر آن سرزمین امکان‌پذیر نخواهد بود. دوران پهلوی دوم در ایران سرآغاز تحولات گسترده‌ای به شمار می‌رود که از این حیث دارای اهمیت است. تحقیق حاضر در صدد کنکاش درباره دوره بسیار مهمی از دوران تجدد در معماری معاصر ایران در فاصله سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۵۷ ه.ش. است.

مبدا معماری نو در ایران را می‌توان از شروع دوره پهلوی به حساب آورد. با ورود عناصر معماری مدرن به ایران، می‌توان تغییرات وسیعی در سبک معماری معاصر این دوره مشاهده نمود. "در واقع، در این مقطع زمانی هویت در خود فرو بسته ایرانی که از ذهنیت تاریخی و تجربه زبانی خود متأثر بود، اینک با ساختار زبانی، فرهنگی و مفهومی جدیدی روبرو شد که از آن به هویت مدرن تعبیر می‌شد. پیامد این امر، بروز مهمترین شکاف هویتی پیرامون سنت/مدرنیته و قرار گرفتن جامعه ایران در مرز میان سنت و مدرنیته است. به دنبال ورود و گسترش اندیشه‌های مدرن در ایران و آشنایی نخبگان و روشنفکران با عناصر تمدن مدرن، چالش میان ارزش‌ها و آرمان‌های سنتی و مدرن پدیدار شد. در تاریخ ایران جنبش‌های عظیم فکری-اجتماعی متنوعی حول محور این شکاف پدید آمده است که جملگی بیانگر نوعی تلاش برای فهم نسبت خود با مدرنیته هستند" (نظری، ۱۳۸۶، ۴). مهندسانی که برای تحصیلات دانشگاهی به خارج اعزام شده بودند در این دوره به ایران بازگشتند و تحت تأثیر معماری مدرن اروپا، سعی در پیاده کردن اهداف و مفاهیم معماری مدرن در ایران داشتند. مدرنیزاسیون در ایران در دوره پهلوی اول با چهار دهه تأخیر از غرب آغاز گردید که دلیل عمده تأخیر در ورود معماری مدرن، عدم ارتباط معماری و معماران ایرانی با غرب بود و با تغییر شرایط و حضور معماران ایرانی برای تحصیل در خارج از کشور و بازگشت آن‌ها به کشور، معماری مدرن شکل می‌گیرد که این جریان در دوره پهلوی دوم ادامه می‌یابد. در مجموع می‌توان گفت، معماری این دوره (پهلوی دوم) تغییر اساسی در طرز تفکر معماران داخلی، عملکرد و تکنولوژی ساخت ایجاد کرد که دیگر رفته رفته معماری ایرانی با گذشته خود فاصله بسیار گرفت. این فاصله از نظر برون‌گرایی، عملکردی و بلند مرتبه‌سازی اقدام جدیدی بود که تا آن زمان توان ساخت این چنین بناهایی در ایران وجود نداشت. تأثیر درآمدهای نفتی و اشتیاق غربی‌ها برای سرمایه‌گذاری در آن و دیگر عوامل تأثیرگذار، توانایی‌های بالقوه ایرانیان را به محاق برده و معماری درون‌گرایی ایرانی جای خود را به معماری برون‌گرا با نگرش به سوی معماری مدرن که یک جریان بسیار قوی زمان خود بود، داد (ثبات ثانی، ۱۳۹۲، الف، ۵۰).

اینکه چگونه در دوران پهلوی دوم، مدرنیته بسیاری از وجوه زندگی روزمره ما را تحت‌تأثیر قرار داده است و تعیین بخش هویت در نگاه ما به جهان اطرافمان شده است، مساله اساسی در این پژوهش است و به تعبیر روشن‌تر، هدف ما فهم این مطلب است که در آن مقطع زمانی، در مواجه با دنیای مدرن، بر شکل‌گیری مسکن ما چه گذشته است و عوامل اجتماعی-فرهنگی چه تأثیری بر معماری گونه‌های مسکن ما داشته است. به عبارت دیگر، هدف اصلی پژوهش، تعیین رابطه بین میزان تأثیر گرایش‌های اجتماعی-فرهنگی بر شکل‌گیری گونه‌های ظهور یافته مسکن در دوره پهلوی دوم است.

در تقسیم‌بندی تاریخی دوره پهلوی دوم بر مبنای تحولات اجتماعی و سیاسی و جریان‌های معماری، سه دوره مشخص شناسایی شده است؛ دوره آغازین که سال‌های آغاز سلطنت محمدرضا شاه است و از سال ۱۳۲۰ آغاز و با کودتای ۱۳۳۲ به پایان می‌رسد. دوره میانی که از سال ۱۳۳۲ آغاز شد و تا انجام اصلاحات ارضی، انقلاب سفید و سرکوب اعتراضات روحانیون در سال ۱۳۴۲ به طول انجامید. دوره پایانی که از سال ۱۳۴۲ با حکومت مقتدرانه محمدرضا شاه آغاز و با سرنگونی حکومت پهلوی در سال ۱۳۵۷ پایان یافته است. در این پژوهش دو دوره میانی و پایانی پهلوی دوم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

طبقات اجتماعی عمده در آستانه انقلاب ۱۳۵۷ عبارت بودند از اقشار مسلط شامل متخصصان غرب‌گرا و کارمندان دولت و بورژواهای جدید رو به رشد؛ اقشار متوسط و متوسط پایین شهری که به صورت کارمند در بخش دولتی و خصوصی مشغول به کار بودند؛ طبقات متوسط و متوسط پایین سنتی که شامل اکثریت علما، تاجران خرد، کسبه و پیشه‌وران و شاگردان آن‌ها بود؛ طبقه کارگر بسیار ناهمگون، از جمله کارگران ماهر، نیمه ماهر صنعتی، کارگران فصلی و افراد دیگری در مشاغل حاشیه‌ای و طبقات مرتبط با زمین که از زمین‌داران خرد، دهقانان و برزگران خوش‌نشین ترکیب می‌یافت (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۶، ۴۸). به طور کلی می‌توان گفت اصلاحات ارضی در دوران پهلوی دوم به پیدایش طبقه‌ای تازه در ایران انجامید، به نام طبقه شبه متوسط (طبقه متوسط جدید) که در این پژوهش این طبقه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گونه‌های مسکن دوران پهلوی دوم شامل کوی‌سازی‌ها و مسکن‌های ارزان قیمت، محله‌های جدید مسکونی جهت طبقات متوسط، خانه‌های دوبلکس، مجتمع‌ها و برج‌های مسکونی و مسکن بساز بفروشی و... است. در این پژوهش گونه‌های معماری مسکن طبقه متوسط دوره میانی و پایانی پهلوی دوم مورد بررسی قرار گرفته است.

الف) قلمرو زمانی: قلمرو زمانی برای این تحقیق، گونه‌های مسکنی است که در دوره‌های میانی و پایانی پهلوی دوم طراحی و ساخته شده‌اند. ب) قلمرو مکانی: قلمرو مکانی برای این تحقیق، گونه‌های مسکنی است که در شهر تهران طراحی و ساخته شده‌اند.

بدین سبب دوره پهلوی براساس تحولات اجتماعی و سیاسی به سه دوره زمانی مجزا تفکیک شد و طبقات اجتماعی و فرهنگی به عنوان متغیر مستقل و به دنبال آن مسکن و در نهایت گونه‌های مسکن طبقه متوسط به عنوان متغیر وابسته و نیز دو دوره زمانی میانی و پایانی پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۳۲) به عنوان متغیر مداخله‌گر در نظر گرفته شده است؛ لازم به ذکر است که انطباق دوره معماری با دوره سیاسی صرفاً یک تفکیک اعتباری است.

سوالات و فرضیه های پژوهش

سوال تحقیق تاریخی باید به اندازه کافی قابل انعطاف باشد و نمی‌تواند صرفاً مبتنی بر فرضیات اثبات نشده باشد. چرا که بسیاری از پرسش‌ها در فرآیند تحقیق ایجاد، اصلاح، تعدیل و تغییر می‌کنند و باید از طرح «بهترین پرسش‌ها» در شروع انجام پژوهش پرهیز نمود (ساعی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵). بدین ترتیب سوالات پژوهش می‌تواند به ترتیب زیر مطرح شوند:

سوال اصلی پژوهش عبارت است از:

- شکل‌گیری گونه‌های مسکن دوره پهلوی دوم چگونه بوده است و تا چه میزان تحت تأثیر گرایش‌های اجتماعی فرهنگی قرار گرفته است؟
- طبقات اجتماعی - فرهنگی دوره‌های میانی و پایانی پهلوی دوم به چه صورت بوده است و در این میان اهمیت طبقه متوسط جدید در شکل‌گیری گونه‌های جدید مسکن چگونه است؟
- با توجه به سوالات پژوهش، فرضیه‌ها بدین شکل عنوان می‌گردد:
- گرایش‌های اجتماعی - فرهنگی (نوسازی حکومت در دوران پهلوی) باعث شکل‌گیری طبقه متوسط جدید جامعه شده است و این طبقه در ایجاد الگوی گونه‌های مسکن طبقه متوسط موثر بوده‌اند.
- با شکل‌گیری مسکن طبقه متوسط جدید، مسکن شبه مدرن جایگزین مسکن سنتی شد.

پیشینه پژوهش

از جمله آثار ارزشمند در زمینه بررسی تاریخی دوره پهلوی می‌توان به کتاب "اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی" نوشته همایون کاتوزیان اشاره کرد که به بررسی دقیق مباحث تاریخی - اجتماعی - فرهنگی دوره پهلوی پرداخته است (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۴). از جمله آثاری که در خصوص تحولات اجتماعی ایران می‌توان بدان اشاره کرد "تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران" نوشته علیرضا ازغندی است که در این کتاب به تحولات سیاسی و اجتماعی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ می‌پردازد (ازغندی، ۱۳۸۴). از دیگر مطالعات ارزشمندی که در زمینه طبقات اجتماعی ایران انجام گرفته است، می‌توان به کتاب "طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران" نوشته احمد اشرف و علی بنوعیزی اشاره کرد که به بررسی طبقات اجتماعی در ایران اسلامی دوره میانه و دوره قاجاریه و دوره پهلوی پرداخته است (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۶). همچنین می‌توان به کتاب "طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر (۱۳۲۰-۱۳۸۰)" نوشته محمد حسین بحرانی اشاره کرد که درصدد ارزیابی گفتمان‌های سیاسی موجود در قشرهای میانی جامعه ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۸۰ با رهیافتی جامعه‌شناختی بوده است (بحرانی، ۱۳۹۵).

از مطالعاتی که به تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری معماری پرداخته است می‌توان به پایان‌نامه دکتر علی جمال الدین سهیلی با عنوان "تأثیر عوامل اجتماعی و سیاسی در ظهور جنبش‌های ملی معماری: بررسی تطبیقی معماری ایران و ترکیه در سال‌های (۱۹۵۰-۱۹۲۰)" اشاره کرد که این پژوهش با بررسی معماری ملی‌گرا در دوره پهلوی اول در ایران و معاصر آن در ترکیه به جمع‌بندی نقش جنبش‌های سیاسی در ظهور جنبش‌های ملی در معماری می‌پردازد (سهیلی، ۱۳۸۹). همچنین مقاله ناصر حسن پور تحت عنوان "عوامل پس زمینه تحولات معماری معاصر ایران در دوران پهلوی دوم و مقایسه تطبیقی آن با ترکیه" که به شناسایی عوامل تأثیرگذار بر معماری در ایران در دوره پهلوی دوم و ترکیه و مقایسه تطبیقی تحولات معاصر معماری در دو کشور پرداخته است (حسن پور و سلطانزاده، ۱۳۹۵). مقاله ناصر ثبات ثانی تحت عنوان "مقدمه ای بر برخی عوامل تأثیرگذار بر معماری معاصر ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش." نیز که برگرفته از رساله

دکتری او تحت عنوان "بازشناسی معماری دوره ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰ در بناهای عمومی" است از جمله منابع ارزنده در این زمینه است (ثبات ثانی، ۱۳۹۲ب). در زمینه تحقیقات خارجی در خصوص نقش مدرنیته در تحولات مسکن می‌توان به مقاله "مدرنیزاسیون و تغییر در مسکن اجتماعی: موردی از دیدگاه سازمانی"^۱ که توسط دیوید مولینز و همکاران^۲ در سال ۲۰۰۱ به نگارش درآمده است اشاره نمود که در آن به بررسی ناکافی بودن رویکردهای گذشته در زمینه مسکن پرداخته شده است و مسکن اجتماعی را نتیجه مدرنیزاسیون اجتماعی دانسته است.

از جمله مطالعاتی که در خصوص مسکن دوره پهلوی صورت گرفته است می‌توان به جزوه منتشر نشده "مطالعه درباره مشخصات کوی‌ها و مساکن در ۹ محله شهر تهران" نوشته خدیجه کیاکجوری اشاره کرد که ۹ کوی مسکونی زمان پهلوی دوم را مورد بررسی قرار داده است (کیاکجوری، ۱۳۵۹). همچنین می‌توان به پایان نامه دکتری بهروز جانی پور با عنوان "سیر تحول معماری مسکن تهران در دوران پهلوی" اشاره کرد که ابتدا مسکن سنتی تهران را مورد مطالعه قرار داده است و سپس گونه‌های متفاوت مسکن متحول شده دوران پهلوی را بررسی کرده است (جانی پور، ۱۳۷۹).

بدین صورت، چیزی که این پژوهش را از دیگر متون موجود تفکیک می‌کند، تمرکز زمانی مطالعه بر ساختار اجتماعی-فرهنگی و نقش آن در گونه‌های مسکن طبقه متوسط در دو دوره میانی و پایانی حکومت پهلوی دوم می‌باشد. به این ترتیب می‌توان امیدوار بود که تحقیق حاضر نه تنها از مواد خام قبلی استفاده کرده بلکه به مواد و اسناد جدیدی نیز دسترسی پیدا کرده باشد و بر غنای مباحث موجود افزوده و اثری بدیع و غیرتکراری عرضه کرده باشد.

مبانی نظری پژوهش

دوره سلطنت محمدرضا شاه پهلوی (پهلوی دوم) با کناره‌گیری رضاخان از سلطنت در سال ۱۳۲۰ آغاز شد. با خروج رضاشاه از ایران و جانشینی فرزندش محمدرضا، دوران جدیدی در فعالیت‌های طبقه متوسط جدید شکل گرفت و از رهگذر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی برآمده، این طبقه توانست ظهور و بروز بیشتری از خود نشان دهد.

بررسی شرایط اجتماعی دوره پهلوی دوم

در یک تقسیم بندی کلی، طبقات بالا، متوسط، کارگر و دهقانان، طبقات اجتماعی را تشکیل می‌دهند. اما آنچه در نسبت با پژوهش حاضر از اهمیت برخوردار است، طبقه متوسط و به عبارت دقیقتر طبقه متوسط جدید است. اصطلاح طبقه متوسط جدید نخستین بار توسط لدر، جامعه‌شناس آلمانی در مقاله‌ای با عنوان «مشکل کارمندان جدید حقوق‌بگیر و پایه‌های نظری و آماری آن» به کار رفت. وی مهم‌ترین ویژگی این طبقه را در شیوه زندگی و حقوق اعضای طبقه می‌دید که وجه تمایز آن‌ها دریافت حقوق است. وی معتقد است این طبقه یا حامی طبقه حاکم می‌شود یا به یاری توده مردم برمی‌خیزد (عیوضی، ۱۳۸۰، ۱۴۳). اگر تنها ملاک در تبیین مفهوم طبقه متوسط، معیار اقتصادی باشد، ناگزیر باید بخش‌های گسترده‌ای از جامعه را ذیل عنوان طبقه متوسط جای دهیم؛ مانند پیشه‌وران، کسبه جزء و... که معمولاً از آن‌ها به عنوان «قشرهای متوسط سنتی» نام برده می‌شود (رحمت‌الهی، موسوی زاده، ۱۳۹۰، ۵). اما مفهوم طبقه متوسط در این پژوهش، طبقه متوسط جدید است که مبتنی بر گرایش‌های مدرن بخش میانی جامعه است. در این دوران افزایش جمعیت شهری و رشد آموزش عالی از مهم‌ترین عوامل افزایش طبقه متوسط جدید بود. افزایش درآمد و مصرف در شهر و زوال کشاورزی و روستائینی و زندگی عشایری و ایلی، به مهاجرت جمعی روستاییان به شهرها انجامید. به طور کلی طبقات اجتماعی دوره پهلوی را می‌توان در جدول ۱ گنجانند.

با خروج رضاشاه از کشور در سال ۱۳۲۰ به ناگاه فعالیت‌های سیاسی در بین اعضای طبقه متوسط جدید، به ویژه در میان روشنفکران شیوع پیدا کرد که به تشکیل حزب توده، جبهه ملی و بنیانگذاری شمار بسیاری از سازمان‌های سیاسی و حرفه‌ای و انتشار ده‌ها روزنامه و مجله انجامید. بیشتر این فعالان سیاسی، دربار سلطنتی را هدف قرار داده بودند که عمدتاً از سوی سیاستمداران کهنه‌کار و نمایندگان طبقات مالک حمایت می‌شد. پس از کودتای ۱۳۳۲، حکومت پهلوی همچنان در کسب حمایت بخشی از طبقه متوسط جدید با مشکل روبرو بود. بسیاری از نویسندگان، شاعران، معلمان، حقوقدانان، پزشکان، مهندسان و دانشجویان مخالفت می‌ورزیدند. رشد سریع تعداد دانشجویان مدارس عالی و دانشگاه‌ها در داخل و خارج از کشور با روند جهانی رادیکال شدن جوانان مقارن شد. در پی اجرای برنامه‌های آزادسازی ناکام مانده در اوایل ۱۳۴۰ بسیاری از دانشجویان به عقاید چپ‌گرایانه و انقلابی گرایش یافتند و برخی سازمان‌های سیاسی، انقلابی و چریکی تشکیل دادند. در خارج از کشور نیز کنفدراسیون دانشجویان ایرانی با هزاران عضو و هوادار در ایالات متحده و اروپا به گویاترین سازمان مخالف رژیم شاه طی دهه‌ها ۱۳۴۰-۱۳۵۰ تبدیل شد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۶، صص ۸۹-۹۰).

جدول ۱. طبقات اجتماعی در دوره پهلوی دوم. ماخذ: برداشتی آزاد از اشرف و بنو عزیزی، ۱۳۸۶، ۴۸-۷۵.

۱. اقشار مسلط	- خاندان سلطنتی، کارمندان سطح بالای اداری، زمین‌داران بزرگ، خان‌های عشایر، علمای بانفوذ، تجار ثروتمند - در پایان عصر پهلوی تغییرات مهمی چه از لحاظ اندازه و چه از لحاظ ترکیب طبقاتی در این اقشار صورت گرفت. این تغییرات مشتمل بود بر جایگزینی نخبگان متخصص و اداری جدید به جای سیاست‌مداران کهنه‌کار قدیمی که اغلب از زمین‌داران سنتی و روسای ایلات بودند؛ جایگزینی تدریجی سرمایه‌گذاران صنعتی و تجار جدید، پیمانکاران، مهندسان مشاور، صاحبان سرمایه‌های مالی و بانکداران به جای تجار مرفه و کاهش قدرت و موقعیت علما و زمین‌داران سنتی.
۲. طبقه متوسط جدید	- صاحبان حرفه‌های آزاد، کارمندان دولتی، پرسنل نظامی، کارمندان اداری و تکنسین‌های بخش خصوصی و روشنفکران (اعضای این طبقه، کنش‌گران اصلی در ایجاد و نوسازی حکومت در دوران پهلوی بودند)
۳. قشرهای متوسط سنتی	- قشرهای مذهبی سنتی و بازاریان ۱. خرده بورژوازی سنتی (پیشه‌وران و کسبه، هسته خرده بورژوازی سنتی در ایران بودند) ۲. سلسله مراتب روحانیت
۴. طبقه کارگر	در اوایل، کارگران ایرانی هنوز در صنایع دستی و دیگر صنایع کوچک سنتی مشغول به کار بودند؛ بعدها کارگران صنعتی افزایش یافت. کارگران شاغل در صنایع جدید همچون صنعت نفت، پتروشیمی، فولاد، ماشین‌سازی و تولید محصولات صنعتی برای جایگزینی واردات و حمل و نقل در راس هرم طبقه کارگر قرار گرفتند (اشرافیت کارگری). کارگران نیمه ماهر و ساده در بخش ساختمان، معدن، صنایع کوچک و خدمات
۵. طبقات زراعی	طبقه اول، دهقانان مرفه و کشاورزان تجاری خرد که مالک اراضی ۱۰ تا ۵۰ هکتاری بودند. طبقه دوم، سوداگران، رباخواران و اجاره‌دهندگان وسایل کشاورزی بودند. قشرهای پایین‌تر شامل روستاییان بی‌زمین و دهقانانی کم‌زمین می‌شدند.

فرآیند نوسازی به شیوه غربی که در عصر رضاشاه توسعه یافته و در برخی زمینه‌ها آغاز شده بود، در دوره محمدرضاشاه ادامه یافت و دگرگونی‌های عمده‌ای در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه برجای گذاشت. با گسترش نوسازی و صنعتی شدن کشور، ساختار معینی متحول شد و به تبع آن تحولات فرهنگی پدید آمد. طبقات سنتی رو به افول نهادند و قشرهای جدید اجتماعی با تکیه بر جنبه‌های مختلف تجدد، وارد صحنه شدند. زندگی سیاسی و فرهنگی بر پایه دیدگاه‌های غیرسنتی بنیان گذاشته شد و روند اصلی زندگی فرهنگی این قشرها متمایل به تجدیدخواهی سکولار گردید. رشد طبقه متوسط جدید، از دیگر پیامدهای فرآیند نوسازی محمدرضاشاه بود. تقاضای روزافزون برای فن‌آگاهان و مدیران در سطوح گوناگون بخش‌های عمومی و خصوصی و گسترش سریع آموزش به سبک غربی، به پیدایی این طبقه متشکل از متخصصان آزاد و کارمندان و نیروهای نظامی و فن‌آگاهان در بخش خصوصی و روشنفکران منجر شد (ازغندی، ۱۳۸۴). در واقع می‌توان گفت افزایش جمعیت شهرنشینی و رشد آموزش عالی از مهم‌ترین عوامل افزایش طبقه متوسط جدید بود. افزایش درآمد و مصرف در شهر و زوال کشاورزی و روستائینی و زندگی عشایری و ایلی، به مهاجرت جمعی روستاییان به شهرها انجامید. گسترش دیوانسالاری دولتی و تمرکز بیش از پیش از پیش تصمیمات اجرایی در تهران و مراکز استان‌ها، موجب سیل مهاجرت از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ شد (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۳۲۲). از سویی، افزایش مراکز تحصیلات عالی، بستر مناسبی برای رشد طبقه متوسط جدید بود. از آغاز دهه ۱۳۴۰ خورشیدی، تحولات اساسی، چه در رشد کمی مراکز آموزش عالی و چه در کیفیت آموزش، پدید آمد و به منظور تامین نیروی لازم برای انجام برنامه‌های توسعه‌ای دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزشی رشد چشمگیری یافت. از سال ۱۳۴۰ خورشیدی نظام آموزشی دانشگاه‌ها نیز تغییر کرد و نظام فرانسوی جای خود را به نظام آمریکایی داد (بهنام، ۱۳۷۳، ۱۰۲). به این ترتیب، شهرنشینی و سواد و آموزش و نیز وسایل ارتباط جمعی - که بر اثر بالا رفتن درآمدهای نفتی به ویژه در اواخر دوره پهلوی گسترش پیدا کرده بود - صورت نوینی به زندگی اجتماعی بخشید و طبقه متوسط جدید شهری را افزایش داد (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ۲۶۵).

بررسی شرایط فرهنگی دوره پهلوی دوم

از دیگر علل تحول معماری مسکن تهران طی دوران پهلوی، می‌توان علل و عوامل فرهنگی را نام برد. میزان تغییرات مسکن بر اثر علل فرهنگی از ابتدای دوران تحول تا آخر حکومت پهلوی بسیار متفاوت است و طیف و دامنه آن هرچه به آخر نزدیک شویم، وسیع‌تر و بزرگ‌تر است. در دوره پهلوی دوم شاهد تحولاتی هستیم که به نوعی می‌توان از آن به مدرنیزاسیون و تحول در جامعه پیشین ایران تعبیر کرد. از جمله آن می‌توان به تحول فرهنگی در جامعه اشاره کرد که در این دوره دچار تغییرات بنیادینی شد.

برنامه فرهنگی شاه از دو عنصر کاملاً متضاد تشکیل می‌شد: از یک سو، احیای فرهنگ کهن ایرانی و تلاش همه جانبه در بزرگنمایی آن در دوران‌های گذشته تاریخ سرزمین و معرفی آن به عنوان «زیباترین بخش فرهنگ منحصر ایرانی» و همچنین ترویج ایدئولوژی «بازگشت به خویشتن باستانی» (ستاری، ۱۳۷۹، ۲۳۶)؛ از سوی دیگر، اقبال شدید اولیای امور به ترویج مظاهر و ظواهر فرهنگی غربی. به زعم شاه و متولیان حکومت و مشاوران او، شاهنشاهی‌گرایی «آرمان ایرانیان» بود (حدیدی، ۱۳۷۷، ۱۰۵) که اینک به دست آنان با جنبه‌های ظاهری تجدد غرب ترکیب می‌شد و حاصل آن فرهنگی بود که «با مردم ایران چسبندگی نداشت» (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۷، ۵).

رشد فعالیت‌های هنری در دوران ثبات سیاسی با گسترش هنر سینما و ظهور مکاتب جدید هنری چون مکتب سقاخانه و هنر کاریکاتور همراه بود. در تقابل با جریان مدرنیزاسیون حاکم بر جامعه و گرایش‌های سیاسی غرب‌گرای حاکم، توجه هنرمندان ایرانی که دل در گرو فرهنگ بومی خود داشتند با تفکرات ضد غرب‌گرایی اندیشمندان همراه بود (حسن پور و سلطانه‌زاده، ۱۳۹۵، ۴۱). شاه و روشنفکران او بسیار زود به این جمع‌بندی رسیدند که تولید یک نظام گفتمانی مشروع رمز بقای او خواهد بود. به همین لحاظ توجه به غرب و ایران باستان دستمایه‌های گفتمانی نظام حاکم را شکل بخشیدند. شاه خود تحت‌تأثیر مباحث شرق‌شناسان غربی به اتحاد و انسجام فرهنگی ایران و غرب معتقد بود (آقاحسینی، ۱۳۸۵، ۱۲۴). آخرین نشانه‌های این ایدئولوژی از سوی محمدرضاشاه برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و تغییر تقویم ایران از

خورشیدی به شاهنشاهی بود. در این زمان در حوزه فرهنگی و هنری "بحث‌ها اکثراً در جهت مبارزه با غربزدگی و عدم سیطره روح غرب بر روح معنوی ایرانیان بود. افرادی چون دکتر علی شریعتی و دکتر سید حسین نصر و دیگر اندیشمندان از مجله‌های مختلف آن زمان، دل سپردن به غرب را در شأن ملت بزرگ ایران نمی‌دانستند" (ثبات ثانی، - ۱۳۹۲ الف، ۵۰). به طور کلی وجه تولید سرمایه‌داری در این دوره فراگیر شد. بر اثر این برنامه‌ها شمار اعضای طبقه متوسط جدید رشد چشمگیری پیدا کرد. در دوره میانی پهلوی دوم در عرصه سیاست و اجتماع، بورژوازی ملی در ۲۸ مرداد جای خود را به بورژوازی وابسته بخشید و این دوره، دوره رشد و ریشه دواندن بورژوازی وابسته است. از سوی دیگر، طبقه متوسط جدید با تمام تنوع ایدئولوژیک و با تمام قشرهای رنگارنگش، در حال گسترش است و «حق‌النفت» زمینه را برای بسیاری مسائل فکری و فرهنگی آماده می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳، ۷۲-۷۳). در دوره پایانی پهلوی دوم نسبت به دوره قبل، رشد و

دوره میانی

دوره پایانی

۱۳۳۲-۱۳۴۲

۱۳۴۲-۱۳۵۷

افزایش قدرت و نفوذ آمریکا در ایران
تثبیت قدرت سیاسی شاه
رونق اقتصادی با دریافت کمک‌های مالی از آمریکا و درآمد حاصل از نفت
پایان فضای آزاد جریان‌های سیاسی
افزایش جمعیت شهری و رشد آموزش عالی و افزایش جمعیت طبقه متوسط
رشد فعالیت‌های هنری و فرهنگی و پدید آمدن مکاتب جدید هنری
اصلاحات ارضی

خودکامی مطلق شاه
تکیه بر درآمد نفت و رشد اقتصادی
اقدامات گسترده برای توسعه امور زیربنایی
رشد شهرنشینی
توجه به غرب و ایران باستان در گفتمان سیاسی
افزایش فعالیت‌های فرهنگی و هنری با توجه به هویت ملی و با محوریت غربزدگی
اقدامات تجددخواهانه حکومت (تکامل مدرنیسم)
مبارزات سیاسی علیه شاه

تصویر ۱. گاهشمار وقایع اجتماعی فرهنگی موثر دوره میانی و پایانی پهلوی دوم.
ماخذ: نگارندگان.

ریشه گرفتن فرهنگ بورژوازی و توسعه قلمرو نفوذ «طبقه متوسط جدید» که از افزایش درآمد نفت و سرمایه‌گذاری‌های خارجی سرچشمه گرفته بود، کاملاً محسوس است. یکی از مهمترین عوامل فرهنگی تغییر در این دوره ترجمه و نشر اشعار خارجی (اروپایی و حتی شرقی) است و جای پای شعر مقاومت فرانسه را می‌توان در شعر بعضی از گویندگان این دوره دید (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳، ۷۷-۷۸).

در یک جمع‌بندی، عوامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار در دوره میانی و پایانی پهلوی دوم را می‌توان به صورت تصویر ۱ نشان داد.

روش انجام پژوهش

اطلاعات مورد نیاز در روش تاریخی می‌تواند به صورت میدانی و به اصطلاح از منابع دست اول تهیه شود. مثل کاوش‌هایی که در آثار تاریخی انجام می‌شود یا مصاحبه‌هایی که با افراد مطلع در خصوص رخدادهای تاریخ انجام می‌شود. گردآوری اطلاعات در این روش به شیوه کتابخانه‌ای و مرور اسنادی نیز می‌تواند باشد که در این حالت از منابع دست دوم، اطلاعات تاریخی جمع‌آوری خواهد شد. در این تقسیم‌بندی کلی منابع تاریخی به چهار مجموعه «دست اول»، «دست دوم»، «آمارهای مستمر» و «خاطرات»، قابل تفکیک و دسته‌بندی خواهند بود (نوبخت، ۱۳۹۴، ۲۵۷). این پژوهش بر پایه روش کیفی و بر استدلال منطقی استوار است. در ابتدای این تحقیق یک بررسی تاریخ‌نگارانه صورت خواهد پذیرفت، اما اساس پژوهش تحقیق، تاریخی تفسیری خواهد بود که استنتاج از تحلیل‌های انجام شده به صورت مقایسه‌ای صورت می‌گیرد. روش تحقیق تفسیری تاریخی که در این تحقیق استفاده شده است شامل ۴ مرحله می‌باشد: ابتدا گردآوری مطالب و منابع می‌باشد که در تحقیق حاضر بیشتر منابع دست اول، شرح حال‌ها و خاطرات و مصاحبه‌هاست. سپس گردآوری و سازماندهی داده‌ها و در گام بعدی ارزیابی توصیف و تحلیل داده‌ها و سرانجام جمع‌بندی و نتیجه‌گیری صورت خواهد گرفت. برای کسب اطلاع از وجود رابطه بین متغیرهای مستقل (گرایش‌های اجتماعی- فرهنگی) و متغیرهای وابسته (گونه‌های مسکن طبقه متوسط) از روش تحقیق همبستگی استفاده می‌شود که صرفاً رابطه بین متغیرها را توصیف می‌کند.

یافته‌های پژوهش

تحولات شیوه زندگی نوین در قالب معماری مدرن و به تبعیت از فرهنگ غرب بر ساختار فضایی کوی‌های مسکونی دوره پهلوی اثر گذاشته است و سازمان فضایی خانه‌های معاصر در طول سالیان گذشته تغییرات بسیاری کرده است. این تغییرات، با توجه به روند سریع و حجیم شهرنشینی در کشور در دوره میانی و پایانی دوره پهلوی دوم در وضعیتی شتابان و مقیاس انبوه صورت گرفت.

تغییرات سازمان فضایی خانه‌های معاصر بیشتر بر بستر پاسخگویی به همجواری با خیابان‌های سواره و پذیرش اتومبیل به درون خانه‌ها روی داد. سازمان فضایی خانه‌های معاصر در اکثر موارد، به دو قسمت حیاط و بنا خلاصه می‌شود. حیاط، فضاهایی باز در حد فاصل معبر و بنا یا میان بناهای دو قطعه شمالی و جنوبی است. بنا یا قسمت ساخته شده در خانه‌های معاصر، عمدتاً شامل فضاهای بسته (اتاق‌ها و راهروها) است و ندرتاً فضاهای پوشیده (ایوان‌ها و بالکن‌های مسقف) یا فضاهای باز (بام‌ها و بالکن‌ها) را شامل می‌شود. فضاهای بسته عموماً در درون دو جبهه دیوار سرتاسری مسدود و دارای دو جبهه نما می‌باشند. در این فرآیند، گرایش غالب تفکیک زمین به سمت مستطیل‌های کشیده میل کرد (حائری، ۱۳۸۸، ۱۴۴). به طور کلی می‌توان عنوان نمود معماری مسکن تهران طی دوران پهلوی دارای سه دوره تحول قابل تشخیص و تفکیک است؛ دوره اول تحول که از اوایل دهه دوم قرن شمسی حاضر، شروع می‌گردد، دوران نوآوری و تأثیر مدرنیسم است. در این دوران معماران مدرنیست به خلق مسکن مدرن در تهران پرداختند و کارهای آنان الگوی مهندسان معمار بعدی شد. دوره دوم تحول، با توجه به افزایش شدید جمعیت تهران (ناشی از مهاجرت)، عمدتاً از سالهای ۳۰ به بعد است که دوران برنامه‌ریزی جهت تامین مسکن خصوصاً مسکن ارزان قیمت دولتی است. لازم به ذکر است بعد از دو دهه، بخش خصوصی نیز با اجرای مجتمع‌ها و برج‌های بزرگ مسکونی در صدد تامین مسکن برآمدند. دوره سوم تحول، دوران هرج و مرج و التقاط در معماری مسکن است. این دوره که مربوط به اواخر دهه ۴۰ تا آخر حکومت پهلوی است، جولانگاه سودجویان بساز و بفروش در امر مسکن است و اکثریت مهندسان معمار در این دوره بسیار منفعلانه برخورد کردند و زمینه را برای ظهور التقاط و ابتذال در معماری مسکن بطور عام فراهم کردند. زیرا نیاز به مسکن در تهران آنقدر زیاد گردید که سودجویان اقتصادی، فرصت ساخت خانه‌ها و آپارتمان‌های فاقد ارزش معمارانه و بصورت انبوه و ردیفی، در گوشه و کنار شهر تهران را پیدا کردند و معماری التقاطی و مبتذل این خانه‌ها در سراسر تهران غالب شد، امری که تاکنون رهایی از آن میسر نشده است (جانی پور، ۱۳۷۹، چکیده). در ایران سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ خورشیدی، گرایش به معماری مدرن، عمدتاً از طریق ساخت خانه‌ها و مجتمع‌های مسکونی، در اوج خود بود. این گرایش از سوی دو نهاد حمایت می‌شد: «بانک ساختمانی»، با شعار «خانه‌های ارزان قیمت» و فارغ التحصیلان معماری دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ۲۷۷). از اقدامات مهم «بانک ساختمانی» طراحی و ساخت آپارتمان‌ها و شهرک‌های

مسکونی و در بعضی موارد ساخت ساختمان‌های فرهنگی و خدماتی در تهران و اکثر شهرهای ایران بود (جودت، ۱۳۴۴، ۱۱-۱۲). قشر خریدار عمدتاً کارمندان دولت و شرایط واگذاری خانه‌ها به صورت اقساطی بوده است. زمان تحویل آن‌ها نیز در عقد منعقد با مالکان، یکسال کاری قید شده بود (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ۲۷۷).

در راستای بررسی نقش تحولات اجتماعی- فرهنگی دوره پهلوی دوم در طراحی فضاهای مسکونی، ابتدا به تحولات مسکن آن دوره پرداخته‌ایم و شماری از کوی‌های مسکونی بر اساس طبقه اجتماعی- فرهنگی ساکنان آن به عنوان جامعه آماری انتخاب شده است (جدول ۲). اساس و ترتیب در معرفی این کوی‌ها، طبقه اجتماعی ساکنین و زمان احداث آن‌ها است.

اسامی تعدادی از کوی‌های ساخته شده، تعداد واحدهای مسکونی و زمان ساخت آن‌ها بدین قرارند: کوی چهارصد دستگاه (حدود ۳۸۵ باب، ۱۳۲۵ سال شروع و سال ۱۳۲۹ اتمام)؛ کوی نارمک (۷۵۰ باب، سال ۱۳۳۳ شروع)؛ کوی نازی آباد (۱۰۰۰ باب خانه: سال ۱۳۳۴ شروع؛ ۷۷۲ باب آپارتمان: سال ۱۳۴۸ شروع و سال ۱۳۵۱ اتمام)؛ کوی کالاد (حدود ۳۰۰ باب، سال ۱۳۳۷ شروع و سال ۱۳۳۹ اتمام)؛ کوی شهرآرا (سال ۱۳۴۰ اتمام)؛ خانه‌هایی در یوسف آباد (۸ باب، سال ۱۳۴۰ اتمام ساخت)؛ کوی کن (۱۰۰۰ باب آپارتمان و ۲۰۰ باب خانه، سال ۱۳۳۹ شروع و ۱۳۴۳ اتمام)؛ کوی تهران ویلا (۴۴۰ باب، دهه ۴۰)؛ کوی سیزده آبان - نهم آبان سابق (۳۴۵۰ باب، سال ۱۳۴۴ شروع و سال ۱۳۴۶ اتمام)؛ کوی فرح (۴۳۳ باب، سال ۱۳۴۲ شروع و سال ۱۳۴۴ اتمام) و کوی مهران (به نقل از کیاکجوری، ۱۳۵۱ و بانی مسعود، ۱۳۸۸، ۲۷۷-۲۷۸؛ در مواردی که آمارها متفاوت بوده است به منبع اول استناد شده است).

جدول ۲. معرفی گونه‌های مسکن دوران پهلوی دوم. ماخذ: نگارندگان.

کوی‌سازی و مسکن ارزان قیمت بصورت تیپ	۱- کوی چهارصدخانه (چهارصد دستگاه؛ سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹- دوره آغازین) ۲- کوی نازی آباد (از سال ۱۳۳۴ اجرای کوی نازی آباد در جنوب تهران توسط بانک ساختمانی شروع شد- دوره میانی) ۳- کوی سیزده آبان (نهم آبان سابق) (در سال ۱۳۴۴ کوی سیزده آبان شروع شد- دوره میانی) ۴- کوی کن (وزارت دارایی طرح هزار دستگاه آپارتمان کوی کن را در زمین‌های دهکده کن پی ریخت و در سال ۱۳۳۹ شروع شد- دوره میانی) ۵- کوی صاحبقرانیه ۶- خانه‌های کارگران (خانه‌های ۴۰ متری - چهل دستگاه از این خانه‌ها در شمال نارمک ساخته شد ولی آن را بین ۲۰ کارگر قسمت کردند. یعنی به هر کارگر دو خانه چسبیده به هم دادند) ۷- کوی خرگوش دره (طرح هزار خانه یک خوابه تا چهار خوابه در زمین‌های خرگوش دره در سال ۱۳۴۲- این طرح به علت برچیده شدن بانک ساختمانی عملی نشد)
	۱- کوی نارمک (۳۰ تیر) برای اسکان فرهنگیان (سرانجام دولت مصدق بر پایه تجربه‌های گذشته به فکر خانه‌سازی افتاد، شروع در سال ۱۳۳۳- دوره میانی) ۲- محله شهرآرا (یک محله بزرگ با یک پارک در مرکز آن و سایر کاربری‌های مورد نیاز با خانه‌های ویلایی و دوبلکس و آپارتمان‌های مسکونی یک تا سه طبقه، در سال ۱۳۴۰ ساخته شد- دوره میانی) ۳- محله تهران ویلا (برای اقشار متوسط نیمه مرفه- دارای بافت شطرنجی- خانه‌های مسکونی یک طبقه و دو طبقه دوبلکس- دهه ۴۰- دوره میانی) در دهه چهل با توجه به گسترش جمعیت تهران، زمین‌های اطراف شهر به سرعت محله‌بندی و ساختمان‌سازی شد. در این برهه به علت اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۲ بسیاری از روستائیان و مالکان، زمین‌های خویش را رها کرده و به سمت تهران مهاجرت کردند.
	خانه‌های مدرن معماران نسل‌های بعد
	مسکن دوبلکس (یک خانه در دو سطح) مسکن فقیرانه
	در بیشتر خانه‌های مناطق مختلف تهران (در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ و اوایل ۵۰) خانه‌ها برای استفاده از زیربنای بیشتر در یک قطعه زمین، به صورت دوبلکس ساخته شده‌اند. ویلاهای مسکونی شمال شهر و شهرک‌های مرفه‌نشین اطراف تهران نظیر شهرک غرب اغلب به صورت دوبلکس است و در سال‌های آخر دوره پهلوی، دوبلکس بودن منزل یک ارزش محسوب می‌شد. گونه‌های مسکن یک اتاقه یک طبقه و دو اتاقه دو طبقه در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ مسکن فقیرانه تهران را تشکیل می‌دهد.

در تهران از سال‌های اول دهه ۴۰ به بعد با تشویق بخش خصوصی در آپارتمان‌سازی، به تدریج مجتمع‌ها و برج‌های بلند مسکونی در ابتدا به نام اقشار کم‌درآمد ولی عملاً برای اقشار متوسط به بالا به عنوان راه حل اسکان جمعیت در نظر گرفته شد. ۱- بهجت آباد (در سالهای ۱۳۴۳ تا ۴۹- دوره پایانی) ۲- مجتمع مسکونی سامان (در سال ۱۳۴۹- دوره پایانی) گونه‌های شهرک‌های مسکونی با مجتمع‌های عظیم آپارتمانی: ۱- شهرک اکباتان (دوره پایانی) ۲- شهرک آپادانا (دوره پایانی) ۳- شهرک شهید فکوری در اواخر این دوران تک آپارتمان‌های مونومنتال به تقلید از کارهای موشه سفدی، نظیر ساختمان تندیس مهندس یوسف شریعت زاده به عنوان یک گونه مسکن جدید در تهران ساخته شد.	مجتمع‌ها و برج‌های مسکونی
رواج این سبک به صورت قانونی مربوط به اواخر دهه ۴۰ و دهه ۵۰ است. گونه‌های رایج مسکن بساز و بفروشی را می‌توان در همه جای تهران یافت، لیکن هرچه از میدان انقلاب به پایین‌تر برویم، گونه‌های کوچک‌تر و محقرتر و هرچه بالاتر برویم، گونه‌های بزرگتر و وسیعتر هستند.	مسکن بساز و بفروشی
دهه ۷۰ میلادی مصادف با دهه ۵۰ شمسی با مطرح شدن مرگ معماری مدرن و ظهور پست مدرنیسم در معماری جهانی همراه بود. در این زمان بسیاری از مهندسان معمار در ایران نگاهی به گذشته و سنت‌های معماری خودی داشتند و با ارائه طرح‌های محدودی سعی در بکارگیری برخی از مفاهیم و عناصر معماری سنتی در معماری مسکن نمودند.	گونه‌هایی از مسکن پس از مدرن

معرفی کوی‌های طبقه متوسط در دوره میانی پهلوی دوم

الف- کوی نارمک (قشر متوسط)

با روی کار آمدن دولت ملی دکتر مصدق و تدوین برنامه‌های دولتی تامین مسکن، فکر احداث کوی‌های مسکونی جهت عموم مردم و کارمندان و کارگران دولتی مطرح شد که کوی نارمک (۳۰ تیر) در شرق تهران از اولین اقدامات آن زمان است (جانی پور، ۱۳۷۹، ۱۲۲). این کوی برای گروه‌های درآمدی متوسط و جهت اسکان فرهنگیان در سال ۱۳۳۳ احداث شد.

طراحی اولیه نارمک توسط دو طراح خارجی به نام آقایان بازیل و گورگن صورت گرفته و همزمان مهندسان ایرانی نیز به عنوان مشاور و همکاری داشتند. در قالب طرح تهیه شده، نقشه‌های ساختمانی توسط دفتر فنی بانک ساختمانی به طور رایگان در اختیار خریداران زمین قرار می‌گرفت و نظارت ساخت و ساز بر عهده دفتر فنی و سپس شهرداری اختصاصی نارمک بود (بسکی، ۱۳۷۴، ۸۶). در واقع محله نارمک یکی از اولین تجربه‌های شهرسازی مدرن در ایران شناخته می‌شود. از ویژگی‌های بارز این محله، وجود میدانچه‌های مرکزی است که نه تنها از نظر حرکت امکان مکث را فراهم می‌آورند، بلکه مجموعه‌ای از مراکز زیرمحله‌ای را به وجود آورده که هرکدام گروهی از ساختمان‌ها را به مثابه یک واحد همسایگی دور خود جمع کرده‌اند و روابط اجتماعی درون واحد همسایگی مستحکمی در محله نارمک وجود آورده‌اند (احدنژاد روشنی، یاری قلی و اوجاقلو، ۱۳۹۳، ۳۱). طرح کلی نارمک در تصویر ۲ نمایش داده شده است.



تصویر ۲. طرح جامع نارمک. ماخذ: Sedighi, 2016, 115.

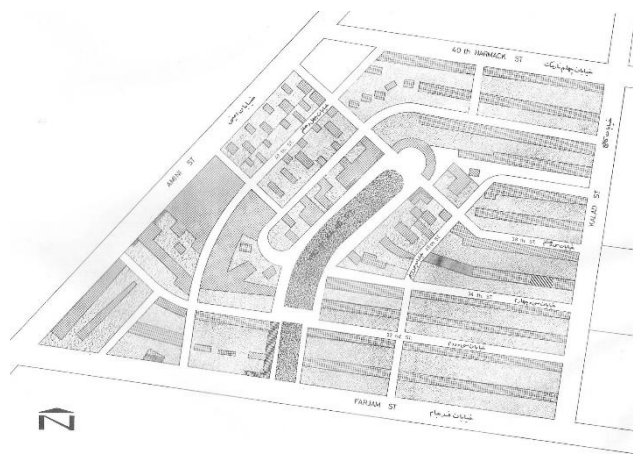
ایده شمالی- جنوبی ساختن ساختمان‌های مسکونی در تهران، عمدتاً از این طرح شروع شد و از آن به بعد تاکنون این مسئله در تهران الزامی است و توسط مهندسان رعایت می‌شود. همین مسئله در شکل‌گیری نماهای مسکونی و در پی آن نمای شهری محلات مسکونی بسیار موثر بوده است، به طوری که در بیشتر موارد محلات مسکونی، نماهای شرقی و غربی عمدتاً یکنواخت و دارای کمترین سطح باز شو است و نماهای شمالی اغلب فقط یک دیوار جداکننده حیاط از خیابان است و نماهای جنوبی نیز بسته به اینکه ساختمان چند طبقه است، دارای سطوح یکدست صاف با پنجره‌های اتاق‌ها و راه پله شکل گرفته‌اند. همچنین نماهای شمالی بناها که در داخل حیاط واقع شده‌اند و از طبقه اول به بالا به کوچه یا خیابان مشرف است، دارای سطوح بزرگ شیشه‌ای هستند (جانی پور، ۱۳۷۹، ۱۲۲). سیر تحول و دگرگونی در نارمک را می‌توان در سه دوره مشخص زمانی ملاحظه کرد. دوره اول مربوط به ساخت و ساز طرح اولیه شهرک و مدت هشت سال به طول انجامید. ساختمان‌های طراحی شده غالباً یک و دو طبقه بودند. دوره دوم، مربوط به زمانی است که شهرک نارمک به شهرداری تهران تحویل گردید. در این دوره، تحولات و دگرگونی‌هایی در روند ساخت و ساز اتفاق افتاد. دوره سوم، سال‌های اخیر را شامل می‌شود که کالبد شهرک نارمک در اثر افزایش شدید تراکم ساختمانی به شدت دچار دگرگونی گردیده است. با این حال، شاید تنها عنصر کالبدی از شهرک نارمک که به هیچ وجه تحت تأثیر جریان‌های مختلف قرار نگرفته و همچنان در تطبیق کامل با طرح اولیه است، میدان‌های نارمک هستند (عزیزی، ۱۳۸۵، ۴۱-۴۲). در محله نارمک با توجه به بازدیدهای میدانی صورت گرفته، تعداد اندکی از خانه‌های دهه ۳۰ باقیمانده است و بیشتر خانه‌ها در چندین مرحله دچار تحول شده‌اند (تصویر ۳).



تصویر ۳. خانه‌های دهه ۳۰ موجود در نارمک. مآخذ: نگارندگان.

ب- کوی کالاد (قشر متوسط)

کوی کالاد (تصویر ۴) در شمال شرقی تهران در شمال منطقه نارمک واقع شده است (تصویر ۵). یک خیابان سی متری این منطقه را به خیابان ۴۵ متری نارمک و از آنجا به سایر نقاط شهر ارتباط می‌دهد. مساحت تقریبی محل ۱۸۹۰۰۰ مترمربع است. کوی کالاد شامل بیش از



تصویر ۴. محله کالاد. مآخذ: کیاکجوری، ۱۳۵۱.

تصویر ۵. محله فرعی نارمک از ۳۱۰ خانه با سیستم کالاد. مآخذ: Sedighi, 2019, 11.

۳۰۰ دستگاه خانه‌های یک طبقه سه اتاقه، چهار اتاقه و پنج اتاقه است. اجرای این پروژه در سال ۱۳۳۷ شروع شد و در خرداد ۱۳۳۹ خانه‌ها به مردم تحویل داده شد. تمام واحدهای مسکونی در کوی کالاد، خانه‌های یک طبقه شخصی می‌باشند که در بلوک‌های ساختمانی متفاوت از نظر اندازه و فرم از یکدیگر قرار گرفته‌اند. این خانه‌ها با دیوارهای کوتاهی از خیابان و خانه‌های مجاور جدا شده و دارای فضای باز خصوصی بزرگی هستند. در طرح بلوک‌های مسکونی، فضایی سبز برای بازی بچه‌ها دور از خطرات رفت و آمد وسایط نقلیه و بدون گذشتن از خیابان در نظر گرفته نشده است. کوی کالاد دارای هسته مرکزی است و این هسته مرکزی، پارک منطقه است که در اطراف آن مرکز خرید و تاسیسات دیگر محلی بوجود آمده‌اند. خیابان اصلی محل این پارک را بصورت کمربندی دور زده و آن را به سایر نقاط شهر متصل می‌کند (کیاکجوری، ۱۳۵۱، ۴۶).

ج- محله شهرآرا (قشر متوسط)

شهرآرا توسط بخش خصوصی ساخته شده است و در سال ۱۳۴۰ اکثر واحدهای این محل به ساکنان تحویل داده شدند. شهرآرا از مجموعه‌ای از آپارتمان‌های سه طبقه و خانه‌های شخصی تشکیل شده است. آپارتمان‌ها در شمال منطقه قرار دارند و بلوک‌هایی را تشکیل می‌دهند که از شش واحد آپارتمانی تشکیل شده‌اند. هر واحد آپارتمان شامل شش واحد مسکونی است. راه ورودی هر بلوک آپارتمانی از خیابانی است که در شمال آن قرار دارد. در جنوب هر بلوک، فضای سبز مشترکی وجود دارد که متعلق به شهرداری شهرآرا است و در حقیقت ساکنان این آپارتمان‌ها راه ورود به آن را ندارند. خانه‌های یک طبقه شهرآرا بصورت خانه‌های ردیفی و پشت سرهم در شمال شرق، غرب و جنوب شهرآرا بصورت بلوک‌های منظم قرار دارند. خانه‌های دو طبقه نیز بصورت ردیفی در جنوب شرقی محل واقع شده‌اند. در این قسمت از محل بلوک‌هایی از خانه‌های ۲/۵-۳ طبقه نیز وجود دارد. بلوک‌های ساختمانی از دو ردیف واحدهای مسکونی متقابل تشکیل شده‌اند و در دو طرف خود دارای خیابان‌های فرعی هستند و به وسیله این خیابان‌های فرعی با بلوک‌های ساختمانی دیگر ارتباط پیدا می‌کنند. در طرح بلوک‌های مسکونی، فضایی برای زندگی اجتماعی مردم این بلوک‌ها در نظر گرفته نشده است. این موضوع قابل توجه است که حتی فضایی برای بازی بچه‌ها، دور از خطرات رفت و آمد وسایط نقلیه و بدون گذشتن از خیابان‌ها در هر بلوک مسکونی در نظر گرفته نشده است (کیاکجوری، ۱۳۵۱، ۹). اگرچه تعداد زیادی خانه‌های شخصی بطور آزاد، خارج از برنامه پروژه، توسط خود مردم در شهرآرا شناخته شده است، نظم اصلی خیابان‌ها و نقشه شهر به صورت اولیه خود باقی است. شهر دارای هسته مرکزی است که پارک و مرکز خرید در آن قرار دارد. مرکز خرید بصورت خطی در خیابان غربی پارک بوجود آمده است. خیابان اصلی شهرآرا در وسط این منطقه واقع شده و از شمال به جنوب امتداد دارد. این خیابان شلوغ‌ترین خیابان شهرآرا و رفت و آمد اصلی وسایط نقلیه در این خیابان است و ارتباط سایر نقاط شهرآرا را به هسته مرکزی میسر می‌کند. در دو طرف این خیابان اصلی که در مرکز منطقه به صورت کمربندی هسته مرکزی را دور می‌زنند، خیابان‌های فرعی شرقی- غربی وجود دارند که شامل مناطق مسکونی هستند. ایستگاه‌های وسایط نقلیه عمومی منطقه در این خیابان قرار دارند. این خیابان اصلی شهرآرا به سایر نقاط شهر تهران ارتباط می‌دهد (کیاکجوری، ۱۳۵۱، ۱۰). در تصویر ۶ یک نمونه خانه به جای مانده از دهه ۴۰ معرفی می‌شود.



تصویر ۶ یکی از ساختمان‌های باقیمانده از دهه ۴۰ در کوی شهرآرا. ماخذ: نگارندگان.

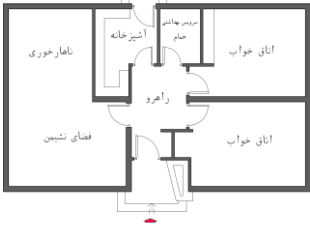
د. کوی مهران (قشر متوسط)

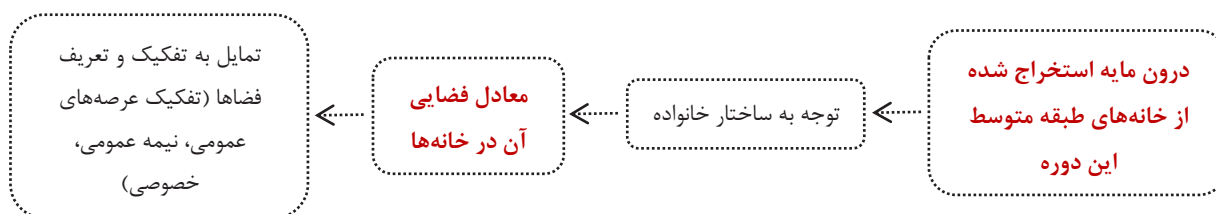
کوی مهران در شمال غربی تهران برای اقشار متوسط ساخته شد.

این کوی از مجموعه‌ای از خانه‌های یک و دو طبقه تشکیل شده است و اکثر خانه‌ها یک طبقه هستند. به طور کلی این منطقه از چند ردیف بلوک ساختمانی در دو طرف خیابان شمالی- جنوبی که خیابان اصلی محل است تشکیل شده است. خیابان اصلی محل، فاقد هرگونه وسائل و تاسیسات محلی است و حتی مغازه‌هایی مانند نانوايي و میوه‌فروشی و موسسات اجتماعی فرهنگی، بهداشتی و درمانی در محل وجود ندارد. این محل فاقد سرویس ایاب و ذهاب مخصوص خود است و هیچ نوع فضای سبز، پارک یا وسائل تفریح و بازی برای بچه‌ها در این محل تهیه نشده است (کیاکجوری، ۱۳۵۱، ۱۹).

تحلیل کوی‌های طبقه متوسط دوره میانی پهلوی دوم

جدول ۳. تحلیل کوی‌های طبقه متوسط دوره میانی پهلوی دوم. ماخذ: نگارندگان.

نام کوی	ویژگی فیزیکی مسکن	ویژگی‌های عملکردی فضاهای مسکن	نقشه‌ها
۱) کوی لاله (کوی لاله) - کوی لاله	- خانه‌ها در ۱ تا ۲ طبقه با مساحت زیربنا ۲۰۰ تا ۵۰۰ مترمربع و بعد خانوار ۴/۵ - تعداد ۲ تا ۳ اتاق به مساحت ۱۲ مترمربع	- تمایل به تفکیک و تعریف فضاها با توجه به تعریف یک راهروی مرکزی - شکل‌گیری واحدهای همسایگی و روابط اجتماعی درون این واحدهای همسایگی به دلیل وجود میدانچه‌ها	
۲) کوی لاله (کوی لاله) - کوی لاله	- خانه‌های یک طبقه ۳، ۴ و ۵ اتاقه. - اندازه واحد مسکونی: ۱۰۰ مترمربع زیربنا، ۳۰۰ مترمربع فضای باز خصوصی. - دارای ۴ اتاق (یکی از اتاق‌ها به عنوان نشیمن و نهارخوری استفاده می‌شود)، حمام، سرویس بهداشتی و آشپزخانه. - دارای فضای باز خصوصی بزرگی هستند.	- فضای زیادی برای راهروها به کار برده شده است که به تفکیک فضایی و جدا شدن عرصه‌های عمومی و خصوصی کمک می‌کند. - فضای حمام کوچک است که کارایی لازم را ندارد. - قسمت جنوبی خانه بالکن وسیعی برای استفاده در فصل گرما دارد.	
۳) کوی لاله (کوی لاله) - کوی لاله	- آپارتمان ۳ طبقه ۶ واحد - شامل ۲ اتاق، پذیرایی و نهارخوری، آشپزخانه، سرویس بهداشتی، حمام، بالکن. - ویلاهای ردیفی با ۱، ۲، ۳ و ۴ اتاق، ۱۶۰ تا ۱۲۰ مترمربع و مساحت فضای باز خصوصی ۴۵ و ۱۲۰ مترمربع - دارای ۳-۲ اتاق، پذیرایی و نهارخوری، حمام، آشپزخانه، سرویس بهداشتی، حمام و بالکن.	- هال مرکزی مانند دایره‌ای شکل گرفته که تمام فعالیت‌های روزانه خانوار در اطراف آن انجام می‌شود. - در خانه‌های دو طبقه، زندگی خصوصی خانواده در طبقه دوم شکل می‌گیرد و افراد خلوت کافی را دارند. - تحرک در آپارتمان‌ها این کوی نامطلوب است و پلان آنها قابلیت انعطاف‌پذیری ندارد.	
۴) کوی لاله (کوی لاله) - کوی لاله	- خانه‌های ۱ و ۲ طبقه - اندازه واحد مسکونی: ۱۵۰ مترمربع - دارای ۳ یا ۵ اتاق، پذیرایی و نهارخوری، هال مرکزی بزرگ، آشپزخانه، سرویس بهداشتی و حمام و زیرزمین.	- فضای هال مرکزی نسبت به سایر فضاها بسیار بزرگ است. - اتاق خواب‌ها کوچک و در بسیاری مواقع فاقد نور مناسب است. - بزرگترین مشکل ساکنان نبودن آب لوله کشی و برق برای آن‌ها است.	



تصویر ۷. شاخص‌های استخراج شده و معادل فضایی در خانه‌های طبقه متوسط دوره میانی پهلوی دوم. ماخذ: نگارندگان.

معرفی کوی‌ها طبقه متوسط در دوره پایانی پهلوی دوم

یکی از راه‌حل‌های معماری مدرن جهت تأمین مسکن متناسب با افزایش جمعیت، برج‌سازی و ساختمان‌ها و مجتمع‌های بزرگ مسکونی نظیر آپارتمان هبیتات ساخت لوکوربوزیه است. در تهران از سال‌های اول دهه ۴۰ به بعد نیز با تشویق بخش خصوصی در آپارتمان‌سازی، به تدریج مجتمع‌ها و برج‌های بلند مسکونی در ابتدا به نام اقشار کم‌درآمد ولی عملاً برای اقشار متوسط به بالا به عنوان راه حل اسکان جمعیت در نظر گرفته شد (جانی پور، ۱۳۷۹، ۱۴۹).

الف. کوی بهجت آباد (قشر متوسط)

نخستین مجموعه بلندمرتبه مسکونی در تهران مجموعه بهجت آباد بود که در سال‌های ۱۳۴۳-۱۳۴۹ بین خیابان‌های حافظ و ولی عصر ساخته شد (تصویر ۸). ساخت این مجموعه پس از تدوین و تصویب قانون تملک آپارتمان‌ها در سال ۱۳۴۳ برای تشویق احداث ساختمان‌های بلند مسکونی آغاز شد (هاشمی، ۱۳۷۴، ۹). این مجموعه دارای ۱۴ بلوک ۱۲ طبقه و ۳۸۰ واحد است. درصد فضای باز در این مجموعه ۸۷٪ است. بلوک‌های این مجموعه در اطراف یک استخر مرکزی پراکنده است.



تصویر ۸. نمایی از مجموعه بهجت آباد. ماخذ: مجله هنر و معماری شماره ۱۸-۱۹، ۱۰۲.

مهندس بهروز پزشکی طراح و ناظر اجرای مجموعه بهجت آباد در این خصوص می‌گوید: «اصولاً مسئله بلند مرتبه‌سازی به نوعی مربوط می‌شود به کمبود زمین و ملاحظات مربوط به احتراز از گسترش شهری و ارزان‌تر تمام شدن ساختمان... در آن زمان زمزمه احداث ساختمان‌های بلند (در تهران) آغاز شد و... گفته می‌شد که ما باید برای مردمی که فاقد درآمد کافی برای خرید خانه هستند، آپارتمان‌های ارزان بسازیم... ما استدلال می‌کردیم که ساختمان بلند گران تمام می‌شود و برای کم‌درآمدها مناسب نیست، ولی به ناچار، طبق دستور، طرح‌هایی برای ساختمان‌های بلند مسکونی (دو بنای بلند در مقابل پارک ساعی و بهجت آباد) تهیه کردیم... در بهجت آباد ما فضای سبز وسیعی در نظر گرفته بودیم، ولی در هنگام ساخت، تعداد آپارتمان‌ها را زیاد و فضای سبز را کم کردند... من عقیده داشتم که فرهنگ آپارتمان‌نشینی هنوز در ایران وجود ندارد و حتی در ساختمان‌های سه یا چهار طبقه هم مردم نمی‌توانند با هم در آرامش و آسایش زندگی کنند و اختلافات زیادی بوجود می‌آید... حتی در آنجا دوره‌هایی برای آموزش نحوه زندگی در آپارتمان‌ها داشتیم. در بهجت آباد ما شوت زباله کار گذاشتیم، اما نوع زباله ما با زباله غربی‌ها متفاوت است. مثلاً ریختن آش رشته در شوت‌ها موجب شده بود آنجا میکروب و کثافت شود، بنابراین استفاده از آن منتفی شد. یکی از علل مخالفت من با بلندمرتبه سازی همین عدم نیاز و عدم وجود فرهنگ خاص آن بود. علت دیگر عدم وجود کارگران متخصص و کادر فنی برای این نوع برج‌ها بود.

وانگهی در آن زمان و حتی هنوز هم مسئله کمبود زمین به آن معنا (مثلا در هلند) برای ما مطرح نیست» (بسکی، ۱۳۷۴، ۸۸-۸۹). ساخت برج‌های بهجت آباد منجر به طراحی و ساخت و ساز برج‌های مسکونی دیگری در مناطق مرغوب شهر تهران از نیمه دوم دهه چهل به بعد گردید.

ب. مجتمع مسکونی سامان (قشر متوسط)

پس از تصویب ماده صد اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم (مصوب ۱۳۴۵) ساخت مجتمع مسکونی سامان در ۲۰ طبقه در ضلع شمالی بلوار کشاورز در سال ۱۳۴۹ آغاز گردید (تصویر ۹). این ماده برای تشویق و تعقیب مالکان و صاحبان سرمایه به احداث ساختمان‌های بلندتر از ده طبقه تنظیم شده بود. شرکت ساختمانی سامان ایران از سوی دولت با مدیریت افراد صاحب نفوذی چون احمدعلی ابته‌ج و عبدالمجید اعلم تشکیل شد و هدف از تأسیس آن، بیشتر ترویج ساختمان‌های بلند مسکونی و آزمون عملی تملک آپارتمان‌ها بود تا مسائل انتفاعی. در این ساختمان برای نخستین بار از عناصر پیش ساخته استفاده شد (هاشمی، ۱۳۷۴، ۹-۱۰). برج‌های دوقلوی سامان، طراحی عبدالعزیز فرمانفرمایان، واقع در بلوار کشاورز و در منطقه شش شهرداری تهران واقع شده و از دو بلوک، هر کدام دارای سه طبقه پارکینگ و واحدهای تجاری تشکیل شده است. هر طبقه از این بلوک‌ها شامل سه تا هفت واحد است که در مجموع ۲۰۰ واحد مسکونی دارد (Yaran & Hadavi, 2018, 59).



تصویر ۹. برج سامان. مأخذ: Aghaei Rad, 2015, 70.

نادر اردلان یکی از همکاران عالی‌رتبه دفتر فرمانفرمایان بود که در سال ۱۳۴۱ به این دفتر پیوسته بود. یکی از طرح‌هایی که اردلان روی آن کار می‌کرد دو برج سامان بود. این طرح با مشارکت شرکت تولید قطعات پیش ساخته به مدیریت مهندس احمد علی ابته‌ج ساخته شد و هدف طرح، احداث ساختمانی بود که نمای آن به صورت پیش ساخته توسط شرکت ایرانی "پریفاب" تولید و روی نمای سازه نصب شود. از جمله مقاصد این طرح عرضه تکنولوژی جدید بود (دیا، ۱۳۸۰، ۷۰). برج سامان اولین آپارتمان لوکس در ایران بود. از آنجا که اردلان تجربه طراحی ساختمان‌های بلند در سان‌فرانسیسکو را داشت، برای طراحی این برج‌ها انتخاب شد. در ایران برج‌های سامان به عنوان معماری مدرن طبقه‌بندی شده‌اند. عنوان "مدرن" فقط به دلیل قد و شکل آنها اعطا نشده است؛ فناوری ساخت و ساز مورد استفاده در این پروژه در ایران بی‌سابقه بود (Aghaei Rad, 2015, 70).

ج. شهرک اکباتان (قشر متوسط)

شهرک اکباتان، از بزرگترین مجموعه‌های مسکونی خاورمیانه است و در غرب تهران قرار گرفته است. این مجموعه در دهه ۱۳۴۰ با هدف اسکان اقشار با درآمد متوسط و تحصیل‌کرده تأسیس شد و متقاضیان سکونت در آن زمان، افرادی تجددگرا بودند که به سکونت در واحدهای آپارتمانی مدرن تمایل داشتند (رفت جاه، ۱۳۸۶، ۴۷). این شهرک با داشتن تیپ‌های مختلف واحدهای مسکونی از سوئیت‌های تک نفره و آپارتمان‌های یک خوابه تا آپارتمان‌های چهارخوابه، پذیرای اقشار مختلف اجتماعی از دانشجوی، کارمند، کاسب کار، استادان دانشگاه تا مدیران عالی‌تر ادارات و وزارت خانه‌ها است. شهرک اکباتان در سه فاز که هر کدام بلوک‌های تیپ متفاوتی دارند با سایر کاربری‌های مورد لزوم ساخته شد. طراحی و ساخت شهرک اکباتان به عهده شرکت عمران و نوسازی اکباتان وابسته به وزارت مسکن سپرده شد و در قبل از انقلاب طراحان خارجی و ایرانی به سبکی کاملاً مدرن آن را طراحی و با تکنولوژی پیش ساخته قالب درجا (لغزنده) و دیوارکشی بتن مسلح اجرا نمودند (جانی پور، ۱۳۷۹، ۱۵۴-۱۵۶).

هر فاز شامل چند بلوک و هر بلوک شامل چند ورودی است که در مجموع می‌توان ۳۳ بلوک را در آن مشاهده کرد. فاز یک مجموعه دارای ۱۰ بلوک بوده و در مقایسه با فاز دو و سه، از امکانات مناسب و فضای خدماتی و تجاری متنوع‌تری برخوردار است. سابقه سکونت در این محدوده بیش از فازهای دیگر است و ساکنان از یکدستی بیشتری برخوردارند (رفعت جاه، ۱۳۸۶، ۴۷).

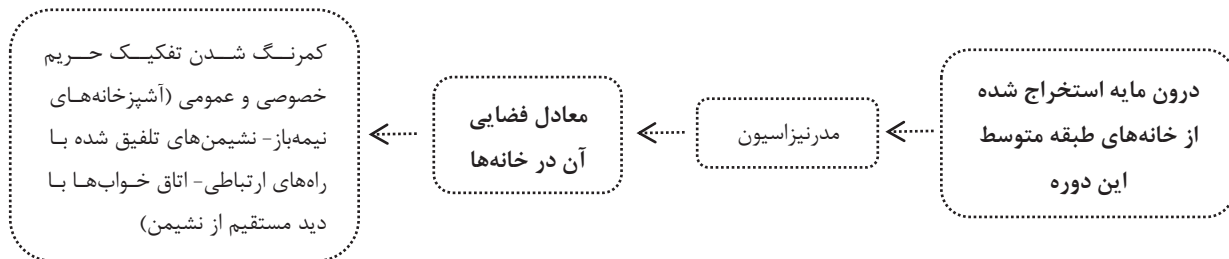


تصویر ۱۰. نقشه کاربری‌های شهرک اکباتان (سمت راست)؛ موقعیت قرارگیری فازهای مسکونی شهرک اکباتان (سمت چپ). ماخذ: نگارندگان.

تحلیل کوی‌های طبقه متوسط دوره پایانی پهلوی دوم

جدول ۴. تحلیل کوی‌های طبقه متوسط دوره پایانی پهلوی دوم. ماخذ: نگارندگان.

کوی‌سازی برای قشر متوسط در دوره میانی پهلوی دوم			
نام کوی	ویژگی فیزیکی مسکن	ویژگی‌های عملکردی فضاهای مسکن	نقشه‌ها
بهرکت آباد (ساخت در ۱۳۵۱-۱۳۵۲ ه.ش)	- این مجموعه دارای ۱۴ بلوک ۱۲ طبقه و ۳۸۰ واحد - درصد فضای باز در این مجموعه ۸۷٪ است.	- به عنوان اولین برج مسکونی به دلیل عدم فرهنگ برج نشینی استفاده از سیستم شوت زباله که در طرح دیده شده بود حذف شد.	
مجموعه مسکونی سامان (ساخت در سال ۱۳۵۱ ه.ش)	- ۲ بلوک ۲۰ طبقه - دارای ۲ اتاق خواب، نشیمن، ناهارخوری، تراس، حمام و سرویس بهداشتی	- بکارگیری سیستم‌های پیشرفته برودتی و حرارتی (رفاه نسبی) - استفاده از آسانسورها - معماری کاملاً مدرن - استفاده از روش‌های نوین ساخت و ساز	
شهرک اکباتان (ساخت در ۱۳۵۰ ه.ش)	- تیپ‌های مختلف واحدهای مسکونی از سوئیت‌های تک‌نفره و آپارتمان‌های یک خوابه تا آپارتمان‌های چهارخوابه (واحدهای بزرگ به صورت دوبلکس). - برج‌های مدولار ۱۲ طبقه - تشکیل خانه‌های بین ۶۰ تا ۳۰۰ مترمربع	- تامین نیازهای رفاهی مانند تاسیسات مرکزی، مدیریت سازمان‌یافته، پارکینگ عمومی، فضای سبز و فضای بازی کودکان - شکل‌گیری واحدهای همسایگی - محدودیت‌های سازه‌ای باعث شکل‌گیری پلان‌های نامناسبی در برخی واحدها شد.	



تصویر ۱۱. شاخص‌های استخراج شده و معادل فضایی در خانه‌های طبقه متوسط دوره پایانی پهلوی دوم. ماخذ: نگارندگان.

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد تحولات اجتماعی و فرهنگی در عصر پهلوی که به صورت شکل‌گیری طبقات اجتماعی نمود پیدا کرده است، نقشی مستقیم در شکل‌گیری گونه‌های جدید مسکن داشته است به طوری که رفع نیازهای این طبقات اجتماعی (به خصوص طبقه متوسط جدید که مورد حمایت حکومت بوده است) منجر به شکل‌گیری کوی‌ها و شهرک‌های جدید مسکونی گردیده است و نظام‌های فعالیتی را نیز تحت تاثیر قرار داده است. معماری مسکن سنتی تهران که با توجه به شرایط خاص آن زمان برای مردم آن زمان مطلوب بوده است، در دوره پهلوی دستخوش تغییرات و تحولات گردید که این تغییر و تحول خود ناشی از تحولات اجتماعی و فرهنگی مردم و تفکرات مدرن دستگاه حاکم بوده است. همان‌گونه که بدهی است سرعت تحولات معماری مسکن، کندتر از سایر تحولات بوده است ولی کم کم روند آن در دوره پهلوی دوم سیر صعودی یافت تا اینکه در مدت کوتاهی آن چنان متحول گردید که با شکل و عملکرد سابق خودش کاملاً متفاوت گردید.

در این سال‌ها طبقه متوسط جدید جامعه تمایل به شیوه‌های جدید زندگی مطابق با سبک کاملاً غربی دارند و تمایلی به خانه‌های به سبک سنتی در آن‌ها دیده نمی‌شود. ویژگی گونه‌های مسکن این طبقه از جامعه، سبک خانه‌سازی مدرن و ساخت و ساز مسکن تقریباً هم شکل و هم اندازه بود اما از آنجا که دولت توان هزینه کردن فراوان مانند آنچه در شهرهای جدید و مدرن غربی صورت گرفته بود را نداشت، لذا بسیاری از اصول شهرسازی مدرن نادیده گرفته شد و به همین دلیل می‌توان آن را برنامه‌ریزی «شبه مدرنیستی» اطلاق کرد.

نهایتاً می‌توان به صراحت ادعا نمود که معماری مسکونی تهران در دوران پهلوی دوم، خصوصاً در سال‌های پایانی، دچار تحولات و تغییراتی شد که از معماری سنتی خود با پیشینه چندین صد ساله فاصله‌ای عمیق گرفت و در مرحله جدیدی قرار گرفت که شاید می‌توانست به دلیل شکل‌گیری ارزش‌های جدید در جامعه، جایگزین مناسبی برای مسکن سنتی باشد؛ لیکن تا این برهه از زمان جایگاه واقعی خود را پیدا ننموده است.

در انتها به عنوان پیشنهاد برای پژوهش‌های بعدی به نظر می‌رسد به دو نکته می‌توان توجه نمود:

- بررسی گونه‌های مسکن بر اساس طبقات اجتماعی ساکنین، در خارج از پایتخت، موضوع مغفولی است که نیازمند بررسی‌های گسترده است. در تهران با توجه به افزایش قیمت زمین و نیاز به تراکم بالا جهت اسکان دادن افراد، اکثر خانه‌های قدیمی تخریب و به آپارتمان‌های امروزی تبدیل شده‌اند اما در شهرهای تاریخی ایران، در کوچه پس کوچه‌ها، هنوز نمونه‌هایی یافت می‌شود که می‌تواند مورد مطالعه و دسته‌بندی قرارگیرد و گاه‌آافرادی در این خانه‌ها ساکن هستند که خودشان در دوران کودکی در این خانه‌ها زندگی کرده‌اند و منبع مهمی برای آگاهی از تحولات اجتماعی در مقیاس خرد و تاثیر آن بر شیوه زندگی و در نهایت بر گونه مسکن محسوب می‌شوند. بنابراین ضروریست از این فرصت در اسرع وقت ممکن استفاده شود.

- در این پژوهش، صرفاً گونه مسکن طبقه متوسط در تهران بررسی شده است در صورتی که در لابه‌لای تحقیق، به نظر می‌رسد گونه‌های مسکن طبقه فقیر و طبقه مرفه در همان دوره زمانی پهلوی دوم، دارای تنوع زیادی است که می‌تواند موضوع پژوهش‌های آینده قرارگیرد. کشف علل شکل‌گیری این طبقات اجتماعی، به خصوص در دوره پایانی پهلوی دوم و مقایسه تطبیقی بین شیوه زندگی و گونه مسکن این دو طبقه، می‌تواند به کشف ابعاد جدیدی از نقش معمار و معماری این دوره بیانجامد. پیشنهاد می‌شود با توجه به روند سرعت تخریب بناهای مسکونی این دوره، به برداشت نقشه آن‌ها، عکس‌برداری و ترسیم جزئیات آن‌ها پرداخته شود.

پی‌نوشت‌ها

- 1- Modernization and Change in Social Housing: The Case for an Organizational Perspective
2- David Mullins and Barbara Reid and Richard M. Walker

منابع

- آقاحسینی، ع. (۱۳۸۵). نقش حلقه روشنفکری فرح پهلوی در تحولات سیاسی اجتماعی معاصر. علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، شماره ۲، ص ۱۱۳-۱۴۳.
- احدنژاد روشتی، م.، یاری قلی، و.، اوجاقلو، ر. (۱۳۹۳). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محلی (مورد مطالعه: محله نارمک تهران). فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، شماره ۱۲، ص ۲۵-۵۰.
- ازغندی، ع. (۱۳۸۴). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران. انتشارات سمت، تهران.
- اسلامی ندوشن، م. (۱۳۵۷). بر ایران چه گذشت: اداره ایران با فرهنگ غیر ایرانی. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۷۷۱، ص ۵.
- اشرف، الف.، بنوعیزی، ع. (۱۳۸۶). طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران (ترجمه سهیلا ترابی فارسانی). انتشارات نیلوفر، تهران.
- بانی مسعود، الف. (۱۳۸۸). معماری معاصر ایران (در تکاپوی بین سنت و مدرنیته). نشر هنر معماری قرن، تهران.
- بهنام، ج. (۱۳۷۳). نگاهی به تجربه شصت ساله نظام دانشگاهی در ایران. فصلنامه گفتگو، شماره ۵، ص ۹۹-۱۰۹.
- بحرانی، م. (۱۳۹۵). طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر (۱۳۲۰-۱۳۸۰) (پژوهشی در گفتمان‌های سیاسی قشرهای میانی ایران). تهران: انتشارات آگاه.
- بسکی، س. (۱۳۷۴). گفتگو با بهروز پزشکی. نشریه آبادی، شماره ۱۸، ص ۸۶-۹۱.
- ثبات ثانی، ن. (۱۳۹۲ الف). مقدمه ای بر برخی عوامل تأثیرگذار بر معماری معاصر ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش. مجله معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۱۱، ص ۴۹-۶۰.
- ثبات ثانی، ن. (۱۳۹۲ ب). بازشناسی معماری دوره ۱۳۵۷ - ۱۳۳۰ بناهای عمومی (رساله دکتری). دانشکده معماری، دانشگاه شهید بهشتی، ایران.
- جانی پور، ب. (۱۳۷۹). سیر تحول معماری مسکن تهران در دوران پهلوی (رساله دکتری). دانشکده معماری، دانشگاه تهران، ایران.
- جودت، ج. (۱۳۳۴). عملیات بانک ساختمانی در شهرستان‌ها. بانک ساختمانی، شماره ۱، ص ۱۱-۱۶.
- حائری، م. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت (بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور تدوین فرآیند و معیارهای طراحی خانه). ناشر مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- حدیدی، م. (۱۳۷۷). پهلوی دوم و نمونه اندیشه‌های باستان گرایانه. فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۵، ص ۱۰۳-۱۸۶.
- حسن پور، ن.، سلطانزاده، ح. (۱۳۹۵). عوامل پس زمینه تحولات معماری معاصر ایران در دوران پهلوی دوم و مقایسه تطبیقی آن با ترکیه. مجله باغ نظر، شماره ۴۴، ص ۳۹-۵۲.
- دیبا، ک. (۱۳۸۰). عبدالعزیز فرمانفرمایان: مروری بر ربع قرن معماری دوره اخیر. مجله معمار، (۱۵)، ص ۶۶-۷۶.
- رحمت الهی، ح.، موسوی زاده، ش. (۱۳۹۰). نقش طبقه متوسط جدید در مطالبات مردم سالارانه دوره پهلوی. مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۴، ص ۴۲-۵.
- رفعت جاه، م. (۱۳۸۶). تحلیل فضاهای محلی در شهرک اکباتان. چکیده مقالات همایش چالش‌های فرهنگی مسکن و همسایگی. مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.
- ساعی، م. (۱۳۸۷). روش تحقیق تاریخی: شیوه‌ها و کاربردهای آن در ارتباطات. فصلنامه رسانه، شماره ۱، ص ۱۶۷-۱۸۵.
- ستاری، ج. (۱۳۷۹). در بی دولتی فرهنگ: نگاهی به برخی فعالیت‌های فرهنگی و هنری در بازپسین سال‌های نظام پیشین. انتشارات مرکز، تهران.
- سهیلی، ج. (۱۳۸۹). تأثیر عوامل اجتماعی و سیاسی در ظهور جنبشهای ملی معماری (بررسی تطبیقی معماری ایران و ترکیه در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۵۰) (رساله دکتری). دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ایران.
- شفیع کدکنی، م. (۱۳۸۳). ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت. انتشارات سخن، تهران.

- عزیزی، م. (۱۳۸۵). محله مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، ص ۳۵-۴۶.
- عیوضی، م. (۱۳۸۰). طبقات اجتماعی و رژیم شاه. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
- کیاکجوری، خ. (۱۳۵۱). مطالعه درباره مشخصات کوی‌ها و مساکن در ۹ محله شهر تهران (جزوه منتشر نشده). دفتر مطالعات و معیارهای ساختمانی. وزارت آبادانی و مسکن، تهران.
- نظری، ع. (۱۳۸۶). مدرنیته و هویت سیاسی: واکاوی تکاپوهای هویتی در ایران (رساله دکتری). دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران.
- نوبخت، م. (۱۳۹۴). روش تحقیق پیشرفته. انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- هاشمی، ر. (۱۳۷۴). پیشینه ساختمان‌های بلند در ایران. نشریه آبادی، شماره ۱۸، ص ۹-۱۱.
- همایون کاتوزیان، م. (۱۳۷۴). اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی (ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی). نشر مرکز، تهران.
- Aghaei Rad, H. (2015). A Study of the Architecture of Nader Ardalan in Terms of Tradition and Modernity in the Islamic Context (A thesis in fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy). Faculty of Built Environmen. Australia.
- Mullins, D., Reid, B., Walker, R.M. (2001). Modernization and Change in Social Housing: The Case for an Organizational Perspective, Public Administration. 79(3), 599-623
- Sedighi, M. (2016). Kuy-e Narmak a Resilient Heritage of Modern Housing in Tehran, Iran. International Planning History Society Proceedings. 17(2), 113-125.
- Sedighi, M., Gameren, D.v. (2019). Unveiling Iranian Courtyard House: The example of Kuy-E-Chaharsad- Dstgah (1946-1950), Journal of Architecture and Urbanism, (43), 477-504.
- Yaran, A., Hadavi, P. (2018). Investigating the Design Indicators for Increasing the Security of Inhabitants in High-rise Residential Complexes in Tehran. Armanshahr Architecture & Urban Development, 11(24), 53-67.

Impact of socio-cultural evolution on the determining the middle-class housing typology (in the middle and final period of second Pahlavi)

Sara Gholami, *Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.*

Jamaledin Soheili, *Assistant Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.*

Kamal Rahbari Manesh, *Assistant Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.*

Extended abstract

Introduction: Institutional housing is multi-functional that in order to form it different dimensions must be considered. One of the most important of these dimensions is the social class of its inhabitants. Its social and cultural factors influence the formation of social classes in any society. The modernization of government in the Pahlavi era led to the formation of a new middle class alongside the traditional class of society.

Research objective: Since the relationship between the social and cultural foundations of the residents in residential complexes and housing architecture is one of the main issues that, if not addressed, can disrupt the activities of residents, this essay seeks to identify the socio-cultural developments of this period. Factors influencing the emergence of this new middle class and then question the underlying factors in the formation of middle-class housing. It has also been tried to provide a comparative comparison of the housing developments of this class in the middle and final period of the second Pahlavi. In order to examine the role of socio-cultural developments in the design of residential spaces of these two periods, some residential settlements in Tehran have been selected based on the social class of its residents as a statistical population.

Methodology: The independent variable of the research is social and cultural classes. The dependent variable of those types of housing and the intervening variable is considered the second Pahlavi's middle and end periods. This research is based on qualitative methods and logical reasoning, but the basis of the research is a historical interpretation based on comparative analysis. In the course of the research, specialized books and articles were used. Several experts were consulted, and the collection of data was in the form of library studies, documents, and direct and field observations.

Conclusion: Research results show that the social class and the cultural characteristics of the new middle-class of society, which were looking for modern ideas, have had a direct impact on the housing architecture of this group. In the new middle-class housing of the second Pahlavi middle period, some traditional housing models and some modern housing models were ignored, and quasi-modernist housing was formed. Also, in the new middle-class housing of the last Pahlavi second period, residential architecture took a deep distance from traditional housing. Modern housing has replaced traditional housing.

Keywords: Pahlavi II era, socio-cultural developments, middle-class, Residential architecture.